

## ضرورت تغییر راهبرد تحریم‌شکنی با تغییر الگوی تحریم‌های ایران

علیرضا گرشاسبی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

### تفاهم

دولت آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بهانه تغییر نظام ایران، همواره به دنبال مصادره اموال و تحریم ایران بوده است. پس از تسخیر لانه جاسوسی در طول بیش از سه دهه گذشته تمامی دولت‌هایی که در آمریکا بر سر کار آمده‌اند تلاش کرده‌اند که از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران را منزوی و در چارچوب قوانین آن کشور، تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کنند. این روند روز به روز تشدید شده و موضوع دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای بهانه‌ای شد تا آمریکا برخی از کشورها را نیز با خود همراه سازد و فضای تحریم علیه ایران در حوزه‌های مختلف تسلیحاتی، بانکی، سرمایه‌گذاری در صنایع بالا دستی نفت و گاز و حتی سوخت هواپیما را جزء تحریم‌ها قرار دهد. تحریم‌های که در ابتدا غالباً با هدف تغییر ساختار سیاسی ایران اعمال می‌شد، در ادامه به بخشی از استراتژی گسترده‌تر برای منع گسترش سلاح‌های اتمی درخصوص ایران استفاده شد. بررسی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در دوره ۱۹۷۹-۲۰۱۱ نشان می‌دهد که عمده تحریم‌ها در این دوران توسط آمریکا وضع شده است و تعداد معدودی از تحریم‌ها توسط سایرین اعمال شده است. یکی از مهمترین مواردی که در حال حاضر از اهمیت بالایی برخوردار است، شناسایی الگوی‌های تحریمی آمریکا و اتخاذ راهبردهای مناسب تحریم‌شکنی در قبال آن است. چراکه، در آستانه شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی شناسایی این الگو به‌عنوان یکی از مخاطرات اقتصاد ایران دارای اهمیت مضاعفی است.

بررسی تحریم به تفکیک دو دوره زمانی ۱۹۷۹-۲۰۰۰ و ۲۰۰۰-۲۰۱۱ دربردارنده نکات حائز اهمیت از فشارهای آمریکا علیه ایران است. در دوره ابتدایی، ممنوعیت واردات نفت از ایران (۱۹۷۹)، ممنوعیت کمک نظامی به ایران (۱۹۷۹)، انسداد دارایی‌های بانک مرکزی و دولت ایران (۱۹۷۹)، ممنوعیت معاملات مالی و صادرات به ایران (۱۹۸۰)، لغو کمک‌های مالی و اعتباری (۱۹۸۴)، ممنوعیت صادرات قطعات صنعت هوایی (۱۹۸۴)، ممنوعیت کمک‌های بانکی به ایران (۱۹۸۷)، ممنوعیت صادرات و صادرات مجدد تجهیزات غواصی (۱۹۸۷)، ممنوعیت واردات از ایران (۱۹۸۷)، ممنوعیت صادرات اقلام دو منظوره به ایران (۱۹۹۲)، ممنوعیت معامله و مشارکت در توسعه منابع نفتی ایران (۱۹۹۵)، ممنوعیت تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری علیه ایران (۱۹۹۵)، تحریم سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران (۱۹۹۶) و ممنوعیت صادرات مجدد به ایران (۱۹۹۷) مهمترین تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بوده‌اند. عمده تحریم‌ها در این

دوره بین ایران و آمریکا وضع شده و بیشتر ناظر به کاهش تجارت فعالان آمریکایی با ایران بوده است. در این دوره شاهد ممنوعیت استفاده از ابزارهای مالی برای آمریکاییان در ارتباط با ایران هستیم. از این رو می‌توان الگوی تحریمی در این دوران را عمدتاً تجاری با تأکید بر قطع رابطه اقتصادی آمریکاییان با ایران بوده است.

در دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۰ عمده تحریم‌ها شامل تمدید تحریم‌های صنعت نفت و گاز ایران (۲۰۰۱)، تحریم افراد مرتبط با صنایع موشکی و هسته‌ای ایران (۲۰۰۵)، قانون حمایت از آزادی ایران (۲۰۰۶)، قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت ایران (۲۰۱۰)، انسداد دارایی‌های ناقضین تحریم قانون CISADA (۲۰۱۱)، درج نام بانک مرکزی در لیست نهادهای پولشویی (۲۰۱۱)، تحریم فراسرزمینی سرمایه‌گذاری در پتروشیمی ایران (۲۰۱۱) و تحریم بانک مرکزی ایران (۲۰۱۱) می‌باشند. تغییر الگوی تحریم از یکجانبه به چندجانبه، مشارکت دادن سایر کشورها در اجرای تحریم‌ها علیه ایران، هدف قرار گرفتن بخش نفت و گاز ایران، تحریم نهادها و اشخاص کلیدی نظام و نیز تحریم بخش مالی و حمل و نقل دریایی در اقتصاد ایران، مهمترین ویژگی‌های تحریم در این دوره می‌باشد. تحریم نهادهای خصوصی و دولتی ایران همچون شرکت بیمه معلم، شرکت تایداوتر، شرکت‌های گروه کشتیرانی ج.ا.ا، شرکت‌های هواپیمایی هما و ایران ایرتور، بانک‌های انصار، مهر، سپه، رفاه کارگران، صنعت و معدن، ملی، ملت، کارگشایی، توسعه صادرات، پست بانک و حتی بانک‌های خارجی متعلق به ایران خود گواهی بر این مدعاست. بنابراین می‌توان ادعا کرد: تغییر جهت معنی‌داری در تحریم‌های ایران به‌وقوع پیوسته است. رویکردهای تحریم به سمت بخش نفت متمرکز شده و استفاده از ابزارهای مالی نیز رواج بیشتری یافته است. ضمن آنکه، تعیین هدف‌ها دقیق و جزئی بوده و تحریم‌ها نیز هوشمندانه اعمال می‌شود. برنامه‌ریزان و مسئولان در طراحی راهبردهای تحریم شکنی می‌بایست ضمن تمرکز بر بخش نفت و گاز، ابزارهای تحریم‌شکنی را در بخش حمل‌ونقل و ابزارهای مالی تقویت کنند. این امر یکی از مولفه‌های مهم در شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی در بخش تجارت خارجی ایران خواهد بود.